

اجل محتوم و معلق

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



لوح رقم (86) - آثار حضرت بهاء الله - امر و خلق، جلد 1

۸۶ - اجل محتوم و معلق

و از حضرت بهاء الله در لوحی است. قوله الاعلی: "بسمی المشفق الکریم یا محمد قبل علی ... در اجل محتوم محبوب تسلیم و رضا است. در سراج ملاحظه نما مادام که دهن و فتیل موجود میشود او را از اریاح عاصفه و شئونات اخری باید حفظ نمود این مقام هر نفسی آنچه ذکر شد قرائت نماید البتّه محفوظ ماند و بشفا فائز گردد و این است اجل معلق که از قبل و بعد ذکرش ما بین عباد بوده و اما چون دهن و فتیل بانها رسد دیگر اسباب و آلات ثمر نداشته و نخواهد داشت این است مقام اجل محتوم اگر چه حقّ جلّ جلاله قادر است بر تغییر آن و لکن ضرر آخر ظاهر لذا اگر انسان بروح و ریحان و توکل و تسلیم در این مقام فائز شود لعمرالله از اهل فردوس اعلی مذکور گردد و در آن مقام اعلی مسکن نماید. اگر ذکر این مقامات بتفصیل از قلم اعلی جاری شود کلّ قبل از حتم قصد مقصد اقصی و ذروه علیا نمایند اکثری مصلحت خود را نمیدانند عیسی بن مریم میگوید تعلم ما فی نفسی و لا اعلم ما فی نفسک انک انت العلیم الخبیر."

و در اثری دیگر صادر از محضر حضرت بهاء الله. قوله الاعزّ: "بقضایای محتومه سلطان لایزالی راضی شده دلتنگ نباشید و ما هو المحتوم عند ربک لا یبدله شیئی عما خلق بین السموات و الارض چنانچه ما بین عباد مذکور است دو اجل فرض نمودهاند از برای هر شیئی الاول معلق والثانی محتوم و لکن آنچه در ایندو مقام ذکر نمودهاند لایسمن و لا یغنی بوده چه که از اصل علم الهی و حکم بالغه صمدانی محروماند الا من شاء ربک و اکثری از ناس بعدم بلوغ عرفان ایندو مقام مقرر و معترفند. در بیان این مطلب مثلی ذکر میشود که شاید آنجناب بحقیقت آن عارف شده ناس را بحفظ الله و قوته از آجال معلقه حفظ نمایند که شاید بنفس محتوم و عرفان او فائز شده موقن شوند. در شمع ملاحظه نمائید که مشتعل است اجل محتوم آن منتهی شدن پیه و فتیل است چه که تا این دو باقی شمع مشتعل و منیر است و چون ایندو منتهی شد حتم است اطفای او و البتّه منطقی خواهد شد و ابدأ تغییر و تبدیل در ایندو مقام راه ندارد و آتی تقدیم نجوید و آتی تغییر نپذیرد چنانچه مشهود است و مشاهده میشود و لکن باین حتم مرزوق شود اگر آجال اکوانیه که در نفس اکوان بقدرت رحمن خلق شده او را اخذ نمایند و فانی نسازد و این آجال نظر بعدم انقطاع قدرت الهیه بر کلشیئی مشهود آمده فهنیئا لمن بلغ الی منبع العرفان و یکون فی آثار ربه لمن المتفکرین و بلغ الی مراد الله فی کلماته فطوبی للواقفین و البالغین مثلاً همین شمع بسا میشود بانتهی نرسیده اریاح بر او مرور مینماید و یا باسباب دیگر عما خلق منقطع میگردد و خاموش میشود."



ORIGINAL